

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز سخن با

دعای از پیامبر اکرم

صلی اللہ علیہ وآلہ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداؤندا! به تو پناه میبرم از این که)

.....
(آن أَضَلُّ أَوْ أَضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

.....
(اوْ أَزَلُّ اوْ أَزَلَّ)

(بلغزانم یا لغزاندہ شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَى)

(به جهل بکشانم، یا به جهل کشیده شوم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِكَ
عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ آبَدًا
مَا بَقِيتُ وَ بَقَى اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

آثار فراموشی معاد

توحید و معاد

دو رکن مشترک در دعوت

تمامی انبیاء الهی

وقتی به سخنانی که قرآن کریم از انبیاء الهی در خطاب با قومشان نقل می‌کند توجه می‌کنیم، به یک (جمله‌ی مشترک) برخورد می‌کنیم که: معمولاً اولین جمله‌ی دستور العمل این بزرگواران بوده است:

.....
.....
(اعبُدُوا اللَّهَ)

قرآن کریم

از یک (دعوت مشترک دیگر) نیز سخن می‌گوید که:
در کنار دعوت به (توحید و عبودیت)
دومین رکن دعوت انبیاء الهی بوده است؛

این رکن مهم دعوت،
(توجه دادن به معاد) است.

ایمان به آخرت،
تنها ضامن حفظ انسان

قرآن کریم می‌فرماید:

.....
اللَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثُلُ السَّوْءِ

.....
(مَثَل): یعنی **(صفت)**

و به **(مَثَل)**، **(مَثَل)** می‌گویند، از این جهت که:
(صفتی) است که در زبانها جاری شده است.

مرحوم علامه‌ی طباطبائی در ذیل این آیه، می‌فرماید:

.....

(أَن الإِيمان بالآخرة و الإذعان بالحساب و الجزاء هو الأصل
الوحيد الذي يضمن حفظ الإنسان عن اقتراف الأعمال السيئة و
يجيره من لحقوق أي ذم و خزي)

.....

(ایمان به آخرت و یقین به وقوع حساب و جزاء)،
پیگانه اصلی است که:

ضامن حفظ انسان از ارتکاب اعمال زشت است،
و او را از هر مذمت و آبروریزی نگاه می‌دارد،

(و هو المنشأ الذي يقوم أعمال الإنسان تقوياً يحمله على ملازمة طريق السعادة، ولا يؤثر أثره أى شيء آخر من المعرف الأصلية حتى التوحيد الذي إليه ينتهي كل أصل.)



و همان منشئ است که:

به اعمال انسان برای طی طریق سعادت استواری می بخشد

(هیچ یک از معارف دیگر حتی توحید)، هم که:

تمامی معارف به آن منتهی می شود، چنین اثری ندارد.

این همان است که خداوند به جناب داود می‌فرماید:

وَ لَا تَتَّبِعْ الْهَوَى فَيُضْلِكَ عَنْ سَبِيلِ الله

ای داود! (ای انسان)

(از هوای نفس تبعیت نکن)

(که تو را از راه خدا گمراه می‌کند)

این همان است که می‌فرماید:

.....
(...إِنَّ الَّذِينَ يَضْلُلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ)

(لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ)

.....

برای کسانی که از راه الله گمراه می‌شوند،
عذاب شدیدی هست، به این سبب که:

(روز حساب را فراموش کردند)

(فَعْدُمُ الْإِيمَانِ بِالْآخِرَةِ)

(وَ اسْتِخْفَافُ أَمْرِ الْحِسَابِ وَ الْجَزَاءِ)

(هُوَ مُصْدَرُ كُلِّ عَمَلٍ سَيِّئٍ وَ مُورَدٍ ۝)

.....

پس (ایمان نداشتن به آخرت)

(وَ خُوارُ شَمَرْدَنْ أَمْرِ حِسَابِ وَ جَزَاءِ)،

ریشه و نقطه‌ی ورود به تمامی گناهان است.

(و بِالْمُقَابِلَةِ الْإِيمَانُ بِالْآخِرَةِ)
(هو منشأ كل حسنة و منبع كل خير و بركة).



و در مقابل آن، (ایمان به آخرت)،
منشا همه کارهای نیک،
و منبع همه خیرات و برکات است.

(فَكُلْ مِثْلَ سَوءٍ وَ صَفَةً قَبْحٍ يُلْزِمُ الْإِنْسَانَ وَ يُلْحِقُهُ)
(فَإِنَّمَا يَأْتِيهِ مِنْ قَبْلِ نُسْيَانِ الْآخِرَةِ).



پس هر صفت سوء،
و هر رشتی که با انسان ملازم و همراه می‌شود،
(از ناحیه فراموش کردن آخرت)، است.

(كما أن كل مثل حسن و صفة حمد بالعكس من ذلك.).

همانطور که:

هر صفت نیک، و خصوصیت پسندیده،
برعکس آن است؛

(یعنی از ناحیه‌ی ایمان به آخرت است)،

فراموشی معاد

حق تعالی در سوره مبارکه‌ی یونس،
ابتدا از ربویت حق تعالی سخن می‌گوید؛
سپس به عبودیت دعوت می‌کند:

.....

(ذلکم الله ربکم فاعبده)

(الله تعالی، پروردگار شما است)؛
(پس عبودیت او را به جا آورید)

اما بعد از دعوت به عبودیت،
از کسانی سخن می‌گوید که این دعوت را نمی‌پذیرند:

.....

(إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأْنَوْا

بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ)

(کسانی که به دیدار ما امیدی ندارند)؛

(و به حیات دنیا راضی شده و به آن اطمینان دارند)؛

(کسانی که از آیات ما غافلند)؛

اولین صفتی که خداوند برای این گروه می‌شمارد،
(نامیدی از لقاء حق تعالی است)؛

.....
(إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا)

(کسانی که به دیدار ما امیدی ندارند)؛

.....
(لقاء حق تعالی رجوع الى الله)،

(با برانگیخته شدن در جایگاه قیامت است)

توقف و انحصار

خواسته بر حیات دنیا

از (نامیدی از لقاء حق تعالی)،
دومین صفت متولد می‌شود:

.....

تمامی همت فطری انسان را به این زندگی متوجه کرده،
و فقط به آن راضی می‌شود؛
(و فقط به آن اعتماد و اطمینان دارد)

.....

(وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَانُوا بِهَا)

مرحوم علامه‌ی طباطبائی می‌فرماید:

.....

و سکن بسببها عن طلب الآخرة، و هو المراد بقوله:

(وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُوا بِهَا)

.....

(به دلیل رضایت از حیات دنیا)

(از طلب آخرت باز می‌ماند)،

و این همان قول خداوند است که:

(انسان به حیات دنیا راضی شده و به آن اطمینان می‌یابد)

غفلت از آیات الهی

(نامیدی از لقاء حق تعالی)،
(و رضایت و اطمینان به حیات دنیا)
همراه و ملازم با صفتی دیگرند:

.....
این صفت، (غفلت از آیات الهی) است؛

.....
(وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُون)

آیه‌ی شریفه‌ی

(وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ)

از نظر معنا

بسیار شبیه یکی دیگر از آیات قرآن است:

به این آیه‌ی شریفه توجه فرمایید!

(فَأَعْرِضْ عَمَّنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا):
(وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا حَيَّةُ الدُّنْيَا):

.....

از کسی که از (ذکر ما) رویگردان شده؛
و فقط (حیات دنیا) را اراده می‌کند؛ اعراض کن.

.....

سخن از (رویگرداندن از ذکر) است.
سخن از کسی است که (فقط حیات دنیا) را اراده می‌کند؛
و جز (حیات دنیا) هیچ خواسته‌ای ندارد.

(ذلک مبلغُهُم مِنَ الْعِلْمِ):

(إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ):

(وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى).

.....

این (رویگردانی از ذکر و اراده‌ی صرف دنیا)

تنها دسترسی آنها به علم است.

(تنها چیزی است که پاftه‌اند).

پروردگار تو به کسی که از راه او گمراه شده آگاه است؛

و او از کسی که هدایت را پذیرفته آگاه است.

(ذلک مبلغُهُم مِنَ الْعِلْمِ):

.....

این بیان عجیب نشان می‌دهد که:

(اراده‌ی صرف حیات دنیا)،

(غرق شدن در آن) و (غفلت از ذکر)،

.....

دسترسی انسان را از علمی که:

(فقط توسط ذکر می‌توان به آن دسترسی یافت)

قطع می‌کند.

از این بیانات معلوم می‌شود که:
(علمی هست که):

.....

(اراده‌ی صرف حیات دنیا)،
(غرق شدن در آن) و (غفلت از ذکر)،
دسترسی انسان را از آن قطع می‌کند.

.....

اما **(ذکر الله)** و **(دل نبستن به حیات دنیا)**،
باب این علم را برای انسان باز می‌کند.

جمع بندی سخن

قرآن کریم

از یک (دعوت مشترک دیگر) نیز سخن می‌گوید که:
در کنار دعوت به (توحید و عبودیت)
دومین رکن دعوت انبیاء الهی بوده است؛

این رکن مهم دعوت،
(توجه دادن به معاد) است.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی می‌فرماید:

فَقَدْ تَبَيَّنَ أَنِ إِنْكَارَ الْلِقَاءِ وَنُسْيَانُ يَوْمِ الْحِسَابِ يَوْجِبُ:
رَضْيَ الْإِنْسَانَ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْأَطْمَئْنَانَ إِلَيْهَا مِنَ الْآخِرَةِ

(انکار لقاء و فراموشی روز حساب) موجب:

(و رضایت و اطمینان به حیات دنیا)

(باز ماندن از طلب آخرت)، می‌شود.

و قصر العلم عليه و انحصار الطلب فيه،



(علم منحصر در دنیا شده)

(و طلب فقط به حیات دنیا)

اختصاص می یابد.

به این فرمایش مرحوم علامه‌ی طباطبائی دقت کنید!

oooooooooooooooooooooooooooo

و إِذْ كَانَ الْمَدَارُ عَلَى حَقِيقَةِ الذِّكْرِ وَ الْطَّلبِ

oooooooooooooooooooooooooooo

(مقصود از این سخنان، حقیقت ذکر و طلب است)

مقصود مرحوم علامه‌ی طباطبائی از:



(مقصود از این سخنان، حقیقت ذکر و طلب است)



این است که:

(مهم نیست که ما به زبان چه می‌گوییم)

(مهم این است که ما در عمل چگونه رفتار می‌کنیم)

در نتیجه:

لم يكن فرق
بين إنكاره و الرضى بالحياة الدنيا قوله و فعله



فرق ندارد كه:

(ما در زبان و عمل)

(آخرت را انکار کرده و به حیات دنیا رضایت داریم)

فَعْلًا مُعَ القَوْلِ الْخَالِيِّ بِهِ.



و یا این که:

(ما در زبان آخرت را انکار نمی‌کنیم)

ولی عمل ما به گونه‌ای است که معلوم است:

(آخرت را انکار کرده و به حیات دنیا رضایت داریم)

آثار فراموشی معاد

پایان بحث

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِكَ
عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ آبَدًا
مَا بَقِيتُ وَ بَقَى اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ